تحليل رمزهای مصیبت‌نماهی عطار

دکتر بدره قوامی

پریسا سالور

چکیده

حضور رمز در افسانه‌ها، رویایها و مکافته‌ها از پیوند قدمی رمز با تجربه‌های روحانی انسان خبر میدهد. کلام عرفان نیز چیزی باعث نشده است. این می‌تواند عطار بسیاری از تجربه‌های خود را در زمینه واقع روحانی به صورت رمز‌کاری داده و از این طریق مسائل عرفانی با شکل محسوس برای مخاطبان خود گفته است. مصیبت‌نامه شرح سفر روح انسانی و سرگشادگی کاناد در معرفت‌شناسی است. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است و رمزهای مصیبت‌نامه تحلیل می‌شود و در آن مسیر سلوك در عالم مثال و همچنین مواضع که بر سر راه سالک برای رسیدن به حقیقت وجود دارد، برمی‌گردد. برای بررسی می‌شود. براین مقاله این که عطر در نهایت دیدار با خوش‌شانه خوش‌شانه (نفس مطمئنی) را برای رسیدن به حقیقت نشان می‌دهد تفکر اصلی در مصیبت‌نامه، چست‌توجوی خدا و اصل عالم و بافتان آن به طی موانع در وجود خوان انسان است؛ آن‌اکنون این اصل و حقیقت عالم همان نور ارلی خذائین، نور محتمل است.

کلید واژه‌ها: عطر، نماد، سفرنامه‌زاده، مصیبت‌نامه، عالم مثال.

1- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج
badriqavami@gmail.com

2- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج
parisasalor@yahoo.com

تاریخ پذیرش
93/4/27
تاریخ دریافت
92/9/12
مقام‌ه\n\nهداره شاعران عرف نسبت به دنبال مادی رمزبرداری است، بعضی از رمزهای تاثیرگذاری از مکان‌ها و واقع‌های روحانی شاعر در حال استغرق و پی‌خوری به وجود آمده‌اند. شاعرانی که این واقع‌های روحانی را تجربه کرده‌اند، به نقل آن‌ها بر اساس تعبیر شدید پرداخته‌اند.

عطای شاعر سفره‌های روحانی است که افکار بندن عرفانی خویش را در قالب نظم و نثر در اختیار همکن قرار داده است. نیستن‌های روحانی و رمزی را به‌کمک بُن‌کلف و ساده بیان کرده که حتی این دیگری به ندرت در نظر می‌دهد می‌شود. با علاوه‌پذیری تجسیل از برای خوش آمدگی و نگز در جریمه از قرار دارنده، مسئولیت‌های رمزی و الهی‌های، منطق‌الطِری و مصیب‌نامه به سپر سادگی و در اگریزی زبان، هم‌واره مورد توجه فرهیختگان ادب فارسی و محققان شریف و غربی قرار گرفته است. دانستن‌هایی که در لبخند آثار دکتر شهدا نابینا، تجربه‌های شاعر را در زمینه واقع‌های روحانی نشان می‌دهد که در سطح جهانی فوق احساس تجربه سه و در قالب دانستنی به قلم درآمده است و در شمار آثار رمزی محسوب می‌شود هدف عطای از استفاده از رمز، رسیدن به قب‌بند دخالت عقل است و پروراندن حقیقت‌جویی و گوشی انسان بینه همان نشان‌نامه است. اما آنچه موجب افزایش عطای شده بیان مسائل عرفانی به صورت محسوس و نزدیک کردن معانی رمزی به ذهن مخاطبانی از طریق دانستن است. این دانستن‌ها معناداری غیر از معناداری ظاهری دارد و خواهنداده‌های دوره می‌تواند آن‌ها را در پایینی از مقالات حاضر رمزهای مصیب‌نامه تحلیل و سیر سالیک به همان نفس ناطقه در برخورد با موانع سفر بررسی می‌شود.

بر اساس جستجوهای انجام شده، درباره رمزهای مصیب‌نامه تنکابن پژوهش جدید صورت گرفته است. اما دکتر پورنامداری به دیدن با سیمرغ به اندیشه عطای درباره حقيقة وجودی انسان اشاره کرده است. همین‌که بعض‌یهایی از مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به نماد برداری در منطق‌الطِری» به پررسی شوید نماد برداری عطای در منطق‌الطیر برداخته است. این یکی از معنی‌هایی از اصل اصل‌های در مقاله‌ای با عنوان «رمز و رمزگرایی با نکته‌بر ادبیات منظوم عرفانی» اشاره‌ای به کوتاه به رمز در گونه‌های مختلف به‌عنوان مدل‌های برج و ورود به رمز عرفانی پرداخته است.
سابقه داستان‌های رمزي

سفرنامه‌های روحايی در فرهنگ ايران و اسلام پيشينهای كهن دارد و هي‌گمان
انديشه‌هاي مذهبي موتور چه مي‌تواند در ابجادات ونگونه سفرنامه‌هاست، در هر مذهبی بک
رشته عقیدت خاص نسبت به مواکع طبیعت و جهان پس از مرگ وجود دارد که در ساختار
ذهني و جهت اصلی اندیشه‌های متعنن‌دان بدن مذهب تأثیر دارد و همواره خيال و تفکک
ایران را بدان سوی می‌کشاند. (شفیعی كدکنی، 1388: 37) سفر معنوی معراج پيامبر
اسلام هم‌واره مورد توجه شاعران و ادبیان بوده است و در آثار نظم و تحریک، به‌تدریج و
معراج و آو توصیف کرده‌اند. در میان شاعران، نظامی در خصوص خود اشعار زنده برادرخواند و
وصف معراج پیامبر را سنتی در شعر داستان‌دان، عشق الهی و احساس عشق نسبت به
معشوق حقیقی در ابتدای دورته و نیازهای ساده آغاز شد و پس از آن با شور و
هیجان بازیابی بسطامي (3 م/266 هق)، منصور حلاج در تصنیف جامی شد و با وجود
کسی که ابتدای ماهبی غازی (م/502 هق)، عين المقصود همدانی (م/525 هق)، روز
پنی بلقی (م/606 هق)، شهاب الدين شهروجر (م/587 هق)، سنایی (م/535 هق).

عطر و ملوی به اوج مرسد به عضی از این داستان‌های رمزن و تمثیلی در کتب صحیبی
آمد. اسد، مانند داستان رمزی حی بن يقطان ابن سینا (م/428 هق) و نيز داستان
سلامان و ابسان که در نمای مهر اشتران ابن سینا امدو و جامی نیز آن را به نظم آوردند
ابوعنیا در قصیده بیتی به محرج یکی، وقانت این ملالا، گرفتار شدند در
جسم خاکی و فراموشی اصل خود پرداخته است. پس از این سینا، امام محمد غزالی در
رسالالفرعیر (م/505 هق) نيز سفر روحانی عمار را به صورت داستان رمزنی که در
جستجوی عفونی سفر را اغاز می‌کند، به زبان عربی تایلی کرده و برادرش احمد غزالی آن
را ترجیح کرده است، شیخ شهابالذین پیچه شهرودی پیش از دیگران تجربیات روحاى را
ارج نهاده و در واقعیت آن ها اصرار ورود به است و خود بی‌نونه آن ها را به صورت
داستان‌های رمزنی تایلی کرده است. فقههای الغربی، اوایر جریان، عقل سرخ و
موئس العشاق که نمونه‌ای از رساله‌های بر رمز و راز شهرودی هستند که در بسیاری از
به شناخت حقیقت به بیان یک رؤیا همراه با یک رویا، پرداخته است.
رابطه رؤیا و عالم مثال با سفرنامه‌های رمزي عرفان

مکان‌ها، شخصیت‌ها، موجودات و اشیاء در واقعیت‌ها، استراتیژی و داستان‌های رمزنگاری به شکلی تصویر می‌شوند که در واقعیت وجود ندارند، اغلب مردم این آثار را بدون حقيقه و در نتیجه بی‌ایرگی می‌دانند. این عرفان این‌ها تجربه‌های روحانی می‌دانند و آن‌ها را فراتر از تجربه عادی به حساب می‌آورند. در آثار مذهبی این تجربه به ویژه آنچه در خواب و رؤیا دیده می‌شود، به عالم غیر منسوب می‌شوند. یونگ می‌گوید: «آنچه ما ناخودآگاه می‌نامیم، ویژگی‌های انسان اولیه را حفظ کرده و همین ویژگی‌های که نمادهای روحی هم‌واره به آنها اشاره دارد و گویی ناخودآگاه می‌خواهد، آنچه را که ذهن در جریان تکامل خود از دست داده مانند پندارهای واهم، خیال بزرگی، شکل‌های کهن‌گی اندیشه، غیررهیای بنیادی و غیره را دوباره زنده کرده» (یونگ، 1389: 141). استیس معتقد است که حالت رونوی با تجربه عرفانی نه عینی و نه ذهنی است و این استنباط از خلال اقلال عرفا که از طریق شهود به آن رسیده‌اند، بیان شده است که پس از ذکر سه حالت عادی نفس، بعنی حالت بیداری، حالت رؤیا و حالت خواب بدون رؤیا، قائل به حالت درمانهای ممی‌شود، بعنی حالت عرفانی که آگاهی وجدانی محس است. (استیس، 1388: 201).

سهروردی پس از عالم عقل و عالم نفس، عالم سومی را که همان عالم مثال است می‌افزاید. (سهروردی، 1380: 64-65) عالم مثال خارج از انسان قرار دارد و این عالم عینی محسوس به جویوع ظاهر نیست و نه غیر مطلق است و نه شهادت مطلق، نفس در اثر رضایت و قطع تعلقات مادی به عالم مثال وصل می‌شود و امیر مفعول را از طریق خیال فکر به منظور قوی و ادامه ادراکی ایست درمی‌یابد در داستان‌های رمزنگاری به ویژه در مصیبت‌نامه برای اینکه زبان رمزنی را ساده‌تر و قابل فهم کند، تواشیحی از زبان همان پیر با فرض را به‌ویژه برای اینکه در آن مکتوب در رپرتورها، به این باشگاه هم‌چنین راهی که باید دیدار کرد است، حساس می‌کند. در واقع، پیر نشان‌دهنده را در پاسخ به پرسیده‌های مسکن می‌گوید. این ردیابی را در دیدر سالک ظاهر

فرشته راهنا (پیر): عنصر مشترک سفرنامه‌های تنیلی - عرفانی

دیدار روح با اصل آسانی خوشی یکی از مایه‌های اصلی اغلب داستان‌های رمزنگاری است. به‌ویژه در دیدر سالک ظاهر
تحلیل رمزهای مصیبت‌نامه عطار (195 -177) (181)

می شود؛ این شخص تورانی که در مقابل سالکی که نفس پر اثر ریاضت ترکیب شده با چهره‌های مختلفی نسبت به می‌کند و به نامهای مختلفی همچون فروه، عقل فعالیت با عقل دهم. جبرئیل یا روح الدین و در اصطلاح متصوفه به نام شیخ‌القیس خوانده می‌شود که یکی از همان نفس مطمئن‌های آنی است. فرشه تصوری روحانی خود نفس است و در بعضی از سفرنامه‌های روحانی بزرگان به مورد برزی زیبا و جوان ظاهر شده است دیدار با عقل فقیر در همین پیره حکیم، حادثه اصلی و مهم بیشتر داستان‌ها رمزی و سفرنامه‌های روحانی است. این دیدار که حاصل مجازات سالک بر اثر ترکیب نفس است و در حقیقت حضور نفس ناطقه‌ای است که بر پیشگاه همه نفس‌های انسانی ترکیب می‌کند.

دیدار روح با فرشته دوئین پس از مرگ، بر اساس عقاید زندگی از قدم‌ترین نمونه‌هایی از تجربه نمونه‌های دیگر، قصیده مورخ تا که در کتاب اعمال توماس آدمه و هنری کریان را با فرشته وارد از سهمگرده می‌کنبد کرده است و دیدار سیمرغ با سیمرغ در کتاب منطق الظّیر و نیز داستان سرنگونی هنگی در الهی‌نامه که سرآمیبا با دختر شاه جناب دیدار می‌کند و سرآمیبا در می‌باشد که نفس خود اوست و نیز مضمون سپرایی از گزه‌های عارفانه همی حکایت از همین تحقیق دیدار نفس با بندی تصور آسманی است.

(پورنمانداریان، 1389:320)

مصیبت‌نامه عطار مرحله‌ای فرآیند از مرحله دیدار سیمرغ با سیمرغ در منطق الظّیر است و دیدار با تریکه که از اصل خود جدا شده و در زندان تن و عالم ماده اسر پیدا، اکنون با تلاش بسیار پس از گذشتن از مراتب چهل‌گانه سیر آفاق و وفس بر اصل مقصود که همان عقل فعال است، رسیده است.

ساختار مصیبت‌نامه

مصیبت‌نامه یکی از متن‌هایی است که از مبتدی یا ترکیب اول عطار است در این کتاب شرح سیر روح در خلوت روحانی بیان شده است و به انسان غافل هشدار می‌دهد که از خواب فغلت بیدار شود به نظر می‌رسد علت کم‌شناختی آن در مقایسه با منطق الظّیر نام است که تصویر می‌شود کتابی است در مورد توهین رسانی و فن مصیبت سرایی است. اما عطار در این اثر از مشکلات اخلاقی و ابید انسان و سرگشایی کاینده به معرفت‌شناسی سخن گفته است.
فصل نامه علمی پژوهشی «عفاف‌نامه در ادب فارسی»

ریتز با احاطه‌ای که به عرفان ایرانی اسلامی و اندیشه عطّار داشته، درباره پیرنگ مقصوبت‌نامه معقد است که ساختار مقصوبت‌نامه برگرفته از حکایتی از پیامبر اسلام است و بیان می‌کند: مقصوبت‌نامه شرح سیر روح در خلوت تفکر روحاean است و روحي که به سیر و تفکر در جهان طبیعی و معنوی می‌پردازد، به صورت «سالک فکری» شخصیت شده است که همچون مربی در برای پیر خود فیدار دارد این سالک فکرت چهل مرحله را می‌پیماید که مطلق با چهل روز اکتفاک در خلوت عطّار به ظاهر در این تصویر شعری، حديث نیوی شفاعت را پیش جشم خود داشته است؛ با نیوی حديث، مردم در روز رستاخیز به یکایک انجای روی می‌آورند و آنان را به صفات مشهوری که دارند، می‌شنده و از ایشان طلب شفاعت می‌کنند؛ اما عطّار در منظومه خود انفجور بر انبیا، مخاطب‌ها های دیگری را هم می‌آورد و به جای طلب شفاعت، تفاضل عالی‌می و مرطح می‌سازد و آن طلب یاری برای رهایی از حال درمان‌گری است. (ریتز، 1377: 22/23-

عطّار طرح اصلی این حديث را بسیار گسترش داده است و سالک فکرت نه تنها از انبیا و اولیا کمک می‌خواهد، بلکه به گروهی دیگری از موجودات روحاean و که همانند روز ریثه می‌آورد فرش مایی در مورد ارتباط پیرنگ مقصوبت‌نامه با «سیرمغ» در منطق الیک عطّار بر این عقیده است که سیرمغ نیاید با خدا یکی تصور شود، بلکه از نظر موضوعی یکی از عقول هم می‌تواند باشد و بیش از همه عقل فعال به عنوان عقل دهم از پایین بر أساس نظریه این سنای که پس از تمام با آن، عقل مستقیم به وجود می‌آید و به عبارت دیگر بشر به مرتبتی کمک و نویعت آرامی خود نایل می‌شود. «سیرمغ» و «پوستف» در حفیقت یک چیز واحدهنگ که تنها در عالم آرامی قابل وصول است، خواد در نیل به خدا مالاک عطّار نظام کار خود را در منطق الیک دریافت و سعی کرده است که در منظومه مقصوبت‌نامه آن را رفع کند. پنیرمن این داستان «سالک فکرت» است، وی سفر خود از روح قدسی-که در فلسفه دینی با «علق فعال» برابر دانسته شده است- آغاز می‌کند. این سفر دقیقاً از جایی شروع می‌شود که سیر مرگان منطق الیک یابان یافته است تا این که او پس از طی چهل مقام و روابطی با حضرت محمد (ص) به یکان می‌رسد که در نزد عطّار همچون غرایی، «روح نیز نامیده شده است و می‌تواند جای عقل فلسفی را بکند. جوهری که همه چیز را دربردارد و همه چیز از آن برمی‌خیزد (مایر، 1380: 84-113)
کتاب رمزهای مصیبت‌نامه عطار (ق83-177)

امیر ابتکار، مصیبت‌نامه عطار را متأثر از باب پنج ابواان انسالان تألیف نمود.

امام جمیل زندیه (528-440) می‌دارد، (به نقل از شافعی چندی 1388 ق.

سفر سالک فکرت در مصیبت‌نامه

عطر در این منظومه از "سالکی" سخن می‌گوید که تشنخ فکر عارف است و این فکر

از راه ذکر، حاصل می‌گردد و فکر در تأملات روحانی خود، جهانی را خلق می‌ند.

راه روا، سالک ره، فکر اوست

فکری کان مستفاغ از ذکر اوست

(عطر 1387: 960)

سالک فکرت، مستقیم و بی‌واضه حالت تحت بر و سرنگشگی خود را وصف می‌کند که در

صورت شخصی تصور می‌شود که به چان آمد است، و درخش تر از خود کسی نمی‌شناشد،

نه جزو است، نه کمالی

نه بسی، نه اوسطی، نه اندکی

(همان 957)

سرانجام به "پیر" ی برخورد می‌کند و به راهبرد می‌نشود. پیر بی بی سالک را به راه

در این ایمان سالک برای راهنمایی به حقیقت، به کسک و راهنمایی پیش به موجودات

کیهانی و طبیعی روی می‌آورد و به آنان مصول می‌شورد و راز حقیقت و رمز معرفت را

جواب می‌شود و نزد فرششگان مقرّب، یکی پس از دیگری مورد و بعد به عرش و گریس و

لواحق و خوش تدوین و آشام و آفت و آب و عناصر چهارگانه و کوه و دوب و موابید

سگانه (جای، نیای و ثبات و جیان) و شیطان و چندرد و آدم و نوح و آبراه و موسم و

داود و عیسی رو می‌نهد، اما ناکام برمی‌گردد و سرائیم به پیشگاه حضرت محمّد (ص)

می‌رود و پیامبر اسلام، اسرار توحید و رمز فقر را به رهبر می‌آورد و به او می‌گوید که باید

یعنی وادی حسن، خیال، عقل، دل و چان را طی کند تا بتواند مراحل "سرائیم" را به

پایان برساند. سالک در وادی یا جان (روح) در می‌یابد که چان او از هر دو چنین بیشتر است

و از خود اصل همه موجودات است و پی می‌برد که پایداره بیاید به جای سیر در چان، در روح خود

سرائیم می‌کرد.

ای دریگاه در سه‌مدم عالمی

لیک چند خود نداستم همی
غلام‌السادات علی‌اصغر رضوی‌پژوهشی "عرفانیت در ادب فارسی"

گر همه در جان خود می گشتیمن
(عطر، 1388: 6968-6969)

عناصر سفر روح در سیر معنوی

ملاقات سالک فکرت با فرشته راهنما (پیر) در ابتدا سفر معنوی صورت می‌گیرد. در این سفر پیر به سالک فکرت به همان روح بی‌داده و آگاه است یاد می‌دهد که چگونه از موادی که بر سر راه قرار دارند، عبور کند. روح در این دنباله مادی آمرزدان تن و قوای مختلف آن است و زندان تن (عالم صغری) در زندان برگتری که زندان عالم خارج و جهان محسسات (عالم بی‌پره) که از خاک تا آخرین فلک آسمانی است، قرار دارد. روح برای رسیدن به مقصد اصلی باید از این موادی عبور کند. روح با راه‌نامه خود از ظلمت منسبری را که قبل نزول کرد، طی می‌کند و صعود می‌کند و سرانجام حقیقت را در جان خود می‌یابد. برای شناخت بخشی مواد سالک فکرت که شامل عالم بی‌پره و عالم صغری است، به معنی‌ها به یک پرداخته می‌شود.

الف) عالم بی‌پره

به عقیده قدما، زمین در مرکز عالم قرار گرفته است و افلاک گرد آن را احاطه کرده‌اند. این افلاک هنگامی که نشان‌دهنده یکی از عوامل را که در زیر فلک قمر عالم اصلی است، عالم تحتالقیربا عالم کوچ و فضایی نامناسب‌تر زیر فلک قمر عناصر ارتباط یا انتقال سطحی، یعنی آتش‌هوا، آب و خاک قرار دارد. زمینی که می‌برد این قرار گرفته‌ایم، خود کرایه‌ایجاد است که با اینکه بر روی آن قرار دارد، در مرکز عالم در وسط هوا قرار گرفته است. هر فلک، فلک قرار از خود را احاطه کرده است. عالم افلاک شامل فلک‌های هدایت افلاک، فلک‌های سنتاران، تابیت، فلک زنج، فلک مشتری، فلک مریخ، فلک شمس، فلک زهره، فلک عطارد، فلک قمر، فلک‌های افلاک با فلک محيط دور تکنیکی که در قرن آریمن به «عصر» از آن یاد شده است، "الله لا اله الا هو رَبُّ العَرْشِ العظَّيمِ" (۳۲۶۶/۲). فلک افلاکی با فلک محيط عالم، جایگاه عقل فلک عالم است (سهروردی، 1380: ۳/۵۴) و قبیله نور است که در تمام موجودات عالم محسوس وجود دارد و در واقع همه موجودات از نور آن به وجود آمدند.
تحليل رمزهای مصوبه‌نامه عطار (195-177) \[185\]

فلک هشتم یا فلک ثوابت دومین فلک در قوس نزولی آفرین که آن را فلک بر جوی می‌گویند. (همان: 3/360) صور فلکی بر این فلک واقع است. مفتزان قرار، فلک ثوابت را «کرسي(4)» دانستند.

فلک همان آسمان‌های هفت گزداند که هر یک به نام ستارگانی که در آنها قرار دارد، خوانده می‌شوند و در قران کریم نیز به آنها اشاره شده است. (ب) عالم صغير

اشتیک که اخیرین مرحله مردان بوجود جهانی است و هر آنچه در عالم کبیر موجود است، به صورت مختصر در وجود انسان جمع شده است. به طوری که وجود انسان با همکاری کوجکی، نمونه‌ای از عالم بزرگ است و به همین دلیل، انسان را در مقایسه با عالم کبیر، عالم صغير نامیده‌اند. در این انسان برای رسیدن به سعادت باشد از موانع عالم کبیر و عالم صغير عبور کن و با شناخت عالم خود به اگاهی عرفانی دست یابد. استیس در مورد اگاهی عرفانی نسیمی گوید: حالات عرفانی در همه انسان‌ها بالقوه است. آنچه سالم بی‌آن دست می‌یابد، رسیدن به سربند خوشی است که بسن از راهایی از تک‌‌حسیات و افکار و تجربات و سایر محتوای تجربی می‌باشد. این انسانی می‌تواند به اگاهی عرفانی بررس، به شرط اینکه بتواند گریبان خوش‌را از دست کشور محتوای تجربی برهند. (استیس، 1388: 444)

سه‌ورودی در رساله برترنده، تقسیم‌بندی نفس و قوای آن را که مرکب به عالم صغير است، به این شرح بیان می‌کند: 1- نفس نیایی که باعث دادن غذا به جسم و تولید و شرید و نم‌دن است. (غذایی مولد، نامه) 2- نفس حیاتی که شامل نوع عالمی است. (الف) قوت محورک شباهت، غضب، ب) قوت مدرک حواس ظاهر که شامل پنچ حس باشد. سمع، شنوایی و لمس و حواس باطنی که شامل حس مشترک، مخیاله، متغیره است.

3- نفس انسانی یا نفس ناطقه: که مخصوص انسان است، و شامل عقل نظری و عقل عملی است. (سه‌ورودی، 1380: 3/26-31) در آثار فلسفي و عرفانی و در حوزه و سبکی از آثار زمانی عالم صغير و عالم کبیر مقایسه‌ها و تشابه و انتقال دقیق می‌شود. بر قراری شیب‌ها از طریق مقایسه میان دو سطح مختلف از هستی صورت می‌گیرد و این امکان را به وجود می‌آورد که یکی را رمز دیگری قرار داد.
سفر سالک فکرت (روح) در عالم کبیر و عالم صغير
سالک فکرت با راهنمایی پیر، عالم کبیر و عالم صغير را طی می‌کند و در طول سفر، نزد موجودات روحانی، کیهانی و طبیعی می‌رود و هر یک را دارای وظیفه‌ای خاص و نماه امری می‌یابد. این سفر از جایی شروع می‌شود که سفر مرگ‌ان مطلق اطیر پایان یافته است. و گویی عطر برای کامل کردن نضایی که در مطلشف احساس می‌کرد، مصیبت‌نامه را سروه‌د است. این سفر روحانی، «سالک» شخصیت فکر عرف است که از راه ذکر حاصل شده و خود را آماده سفر معنوی می‌کند. مقدمه ورود به این عالم معنوی، رضایت و نابودی قوای نفسی ای است، پس از آن در اثر تابی انتها الهی سالک مستعد بیدریش انوار علی‌و الهی می‌شود و حالت جذب و خلیسه در آوردگزاری می‌گردد در این مرحله است که دیدار سالک فکرت (روح) با پیری نورانی (فرشته راهیما) آغاز می‌شود و خبر از واقعه‌ای می‌دهد که در حالت خود و در عالم مثل آفتاب می‌افتد، فکر در اندیشه‌های روحانی خوید، نزد موجودات روحانی، کیهانی و طبیعی می‌رود و هر یک را دارای وظیفه‌ای خاص و نماه امری می‌یابد. پیری تعلیمات را در دیوان مسیر سفر درونی و طریق نجات از جهان محسوسات، به وی نشان می‌دهد و سالک فکرت در این مسیر، عوامل صغير و کیهان را می‌بیانید و به این نتیجه می‌رسد، هر آنچه در عالم کبیر است، در وجود انسان نمودگاری دارد، به همین دلیل است که به انسان عالم صغير گفتگوی و انسان از طریق شناخت وجودی خود است که به حقیقت می‌رسد.

عطلا شاعر وجد و حال است و در مصیبت‌نامه از برادر دانستن «عقل» با «جان» پرهیز می‌کند و خود را از فلاسفه جدا می‌کند و «جان» را مانند جهوری که همه چیز را در بردارد، برتر می‌داند و نشان می‌ده که سالک به وسیله جان که در عالم عطلا در الهی نامه عطر از مقاله اول تا پایان مقاله ششم که در آن سربانک با تجلی نفس خود که پری‌زاده است، صحتی می‌پندارد، با این هنگامی که به نفس مطمئنه به‌درستی گفته خداوند، باشم، از خوک و سگ هم بدرم، آنها هنگامی که به نفس مطمئنه به‌درستی گفته خداوند خطاب از چه ایسی بسیاری یکی در سایر مسیر که به نفس مطمئنه به‌درستی گفته خداوند خواهانش هستند، در تبدیل نفس اتاره به مظالمان در خود می‌بابند.
تحلیل رمزهای مصیبت‌نامه عطر (195-177) و (187-177)

کنون تو ای پسر چیزی که چیستی
اگر در کار حق مردانه باشی
می‌توانی برون ز شحرای وطن یا
که مصیبت‌هایی درون جان پاک است

ابن حب الوطن ایمان پاک است

قطار در مصیبت‌نامه اندیشه‌های روحانی خود را توسط پیر یا فرشتگی راهنمایی که هر یک
دارای وظیفه‌ای خاص و نتاد امری معرفی می‌کند که به پیروی از آنها اشتهار می‌شود.

در مقاله شخص "عشق یا فلک الافلاک" نام آن "رحمت" است. فلک الافلاک که دورترین
فلک و محيط افلاک است، در قرآن به آن "عشق" یاد شده است و یکبار
بعضی رواجی و عشق "به‌خستین افیجی" است. در آیهی "آرمانی برای
عشق استوایی" در باب معرفی آن در طول تاریخ، بحث‌ها و جدل‌ها بوده است. فلک الافلاک یا
فلک محيط
جایگاه عشق و فعالیت و عاطف انرژی پر مچ شده
است.

چون هر کس از عشق را نفسی و فلکی در فرام راحت و عالم عقل عطر به فرشتگی
عقلها مانواز فلک الافلاک از نه فلک است و فلک نمی‌باشد. انرژی پر مچ شده
است که مدیر عالم کون و فساد است و بدر حال گفتوی انسانی از آن فاصله شده
است. (همان: 396)

سه‌روی عالم عقل و نفس‌را که آنجا می‌زند به عالم صرف ما اشراقی می‌شود. عالم
ماده و محسوس را در این دنیای جهانی مثل عقل دیگر تعلق به مشرق و عالم
معقول دارد. این اثر می‌باشد. عالم محسوس از دنیای عقل می‌باشد و در تمام موجودات عالم
محسوس وجود دارد. (بورنامه‌داران: 1390: 423)

فرشتگی راهمی به سالک فکری در هر دو عالم، می‌کنیم و وجود دارد از
عشق رحمان است و همه موجودات از نورالانوار او به وجود آمدند.

هر کجا در هر دو عالم رحمت است
منزل رحمت، هر کجا عشق کم‌ست
پس ز راه عشق در فرش آمدست

(عطار: 1388: 1825-1826)
در مقاله دهم «بهشت» نام ده‌متمیت از جمله حق است، بهشت یا دارالحیاتی در قرآن
سرای وابسته اولا و مؤمنان است و تعبیرهای قرآنی مانند روضات (القوه/ 27) و (القوه/ 21)، روح و روحانی (الواقعة/89)، می شیر و عمل (محمد/15)، از آن ذکر شده است.
عطار جایی که بهشت را بسیار و نابه‌دل می داند و متنگر می‌شود که مؤمنان واقعی طلب بهشت
نیم کنند، هجویه می‌نویسد: «عوام بدان بسته کرده گوید که裹 حاکی است، شناسیم،
و خواص بدان خرسند شده که اندر دل تمدنی یابند و اندر نفس هاجی و اندر صدر میلی
بدان سرای؛ از سر مشغولی گوید این شوق رؤیت است و خرقت محبت» (هجویه،
1389)

عطار در این مقاله حکایاتی اورده است که تمشیلی است به دیدار جمال حق، در حکایاتی
های «الیه و مجروح» و «محسوم و ابزار» و «هارون رشید و مجروح» عاشق در منان یا در شیئی
که متعلق به معنوی است، او را بینند و هم‌سر خوش دیاد محیب اجور و وجود دنیو شعلهور
است، بی‌هی و سالک فکرت می‌آموزد که ذوق واقعی بهشت، در مشاهده جمال خدا تعلیق
است.

در بهشت است آفت‌لاب لاویال
هر که انجا آشنا یافت او

(عطار، 1389: 2396-2397)

در مقاله شانزدهم «باد» نام ده‌متمیت است. در قرآن کریم به فراموش نمی‌یاد از
سیمین اشعار شده است 8 و در (الفجر/7 و 8) نابودی قوم عاد می‌تواند است.
مطابق حدیث: «الریحی من روح الله تا می‌رود و تانی با گلاب جاب» باد به خشکش الهی است.
که گاه رحمت با خود می‌آورد و گاه عذاب. (به نقل از شفیعی کدکی، 1388: 619).

پیر در دو مورد باد می‌گوید باد، نسم بر روح است، انسان در مصیر‌من، یوسفی دارد
که هر زمان نسیبی از او می‌آید و یاد از این نسیب به اندازه کافی بهره
پیر گفتی باد، گفتمگار جانست
ریح از روح روح او از آنست.
همزمان می‌رسد از ی و نسیم
آن نفس دانی که باشی هیچ کس

(عطار، 1388: 2397-3279)
تحلیل رمزهای مصوریت نامه عطر (195-177) 89

در مقاله بیست و چهارم «طبی» نماد «مثل عالم علیه» است و جان را با یک انسان، می‌دهند کلیه «طبی» در قرآن کریم (الملک) 19 و (المثل) 20 و (الملک) 79 آمد و «منطق الطبی» در آیه و قائل «آیا آن ناسی عمده‌ای بی‌نورانه» ذکر شده است. پرندگان حضور سلیمان «اعداده» در (سوره النمل/20-31) بی‌گز گزار میان سلیمان و مالکه سیا از پرندگان و راه‌شناست است. جوزف ال هندرسین 10 پرندگان را یکی از نسل‌های متعالی شمرده است. این معتقد است انسان کمینه دارد از اتحاد خدا و گاهی با محتوای ناخداگاه ذهن ناشی می‌شود و از همین از اتحاد آنچه یونگ «رفتار متعالی روان» می‌فکند. رازه می‌شود و انسان می‌شود به وسیله آن به والترین هدف خود عهده‌ی آگاهی کامل از امکانات بالقوّة «خوب» دست یابد بنابراین «نماهای عطر» نماهایی هستند که کوشن انسان برای دستیابی به این هدف، را نشان می‌دهند. (یونگ، 1989: 226) صفت اکثر پرندگان، پرور کردن این انسان را به آسیاب به او آماده و شاهان و عالیان، پرندگان را مناسبترین موجودات برای رمز روح به رضایت می‌دانند. انسان همچنین پرندگانی که می‌کند از قابل تن که اسرار آن شده، پرور کند و به عالم غیب که از آنها آمده است، بیان گردید. در ادبیات عرفانی، «رسالالطبی» ها در واقع از نظر موضوع، مرحله بعد از آگاهی روح (نفس ناطقه) را نشان می‌دهند. مرحله‌ی چه روح به اسارت و مونتین بی‌گشت خود به جایگاه اصلی به یاده و آگاه است و می‌خواهد که از یاده به سوی اکتاک افتاده کند. عطر پرندگان را نماد عالم علیه می‌داند که همراهه اسرار نست و می‌خواهد به وطن اصلی خود برگردد.

پیر گشش هست مرگ از بس کمال
جمع‌لی می‌علیه را مثال
سطح را اختر طبی بود
معنی کان از سر خبری بود
لیک تا نقد تو گردد کار هست
ذات جان را معنی بسیار هست
(عطر، 1388: 4382-4384)

در مقاله سیویانم «حضرت مصطفی» نماد «فقره» است «زخمی خلیفه» 11 تعبیری قرآنی (انبای 107) در حق رسول (ص) آمده که پیامبر رحمتی است برای عالیان. در روايات ذکر شده که اولین چیزی که خداوند خلق کرد، نور محسود هست، عطر در این
مقاله فنایی از خود و دور بودن از همه تعلقات و جنگ‌های دنبال، و خودشناختی و سیر در انفس پیامبر را بیان می‌کند

سراشیم سالک فکر، تز حضرت محمد (ص) میرود؛ پیامبر به او می‌گوید: راه به این مقصد درون دل توست و باید از این پنج منزل گذشته این منزل حس خالی عقل، دل و جان است، اگر این پنج منزل را پیش زر گذاردی، خوشیشنت را فانی می‌پیند؛ پرس، رسول اکرم (ص) با نمایید از «فقه» معرفی کرد.

نقطه‌ی فقر: اقتباس خاص از

در دو کونش، فخر از اخلال اوسئت

(عطار، 1388: 6055)

"فقه" در نظر سوخته‌ای از مقامات مهم به شمار می‌رود و نباید مبنای خدا و بین‌نیازی به

غير از است که در آیه 35 سورة فاطر آمده است، فقر واقعی کسی است که به مقام فقر رسد، و فقط نباید به خداوند است، همواره می‌نویسد: "فقه را رسوم و حفیقی است.

رسماً افلاس اضطراری است، و حفیقیت می‌تواند کسی باشد که سریع‌تر از وجودات برخوردار، و به فنانی کل، اند رهیت کل، به پای کل بشتهند، من لحاظ دوازدهمین راس نام نیست."

(هجوری، 1389: 30)

نجمالدین رازی در مرصادالعالی بخش به این است: "آنا آنچه نصیحتی در است، در پی تصویبی

است و کام‌من در ناکامی، و مراد من در نامرادی، و همین‌من در نبستی، و گونگری و فخر

من در فقر است، الف، فقر الف، ای محمد این چه سری است که تنفیخ به سروری نیز

نمی کنی، و به فقر فخر می‌کنی؟ زیرا که راه ما بر عشق و محبت است، و این راه به نبستی

توان ره، و فیناوا و سروری و نب‌نت همه هستی است" (رازی، 1376: 108).

در مقاله جهان "خو زن و چگونه" نمایید "نگران جهاده از نور محرومی" است، نشان دهنده که از طریق

مجاهدت و ضیافت به کمال روحانی و به مشاهده انوار مجرد‌د نایل می‌گردد، همان نفخه

الی یا امر خداوند است، سه‌ورودی شعله ملل‌کننده لاوشه را در قول یکی از بزرگان، و چوئه

ملکوتیه را در قول حضرت علی (ع) که در مورد دستی: "ما قلعده باب خبر پیوست جمع‌مانه ای بن

قلع‌های پیوست ملل‌کننده" آورده و اشاره وی به همین نفس ناطقه با نور است، (سهروردی، 1389: 372). در روانه‌الواج عمادی می‌گوید: "نفس امر حق است و نور اوسئت" (هامان: 190، نامه علمی پژوهشی "عرفانیات در ادب فارسی")
تحلیل رزم‌های مصیبت‌نامه عطر (195-177) (عطر، 1988: 6996-6998)

2128) و در رسانه هیاکل التور می‌گوید: "آن (روح) که در قران یاد کرده است، نفس ناطقه است که نورهای اختیاری های حق تعالی" (همان: 98) روی که از نور مجرد (نور محتمل) با حقيقة انسانی ناشت گرفته، به طور نانی شتاق رسول به اصل و سیر در آن عالم است، اما آنجه مانع وی از این کار می‌شود. مشغولات حسی و تعلقات دینی است و با برنده از آنها و با جش دل و از طرق کشف و شهود و فرشته وجود (روح) به یقین و معروف دست می‌یابد.

فرشته راهنمای جان را اصل همتیا و هر دو جهان را نور محدود می‌داند:

به چیزی از شر یا آگاهی شد
چون می‌پکد به نجات کار بزرگ فن‌های در فنا، کار یکسان
بنظر را که به رهگیری دوستت.

ساسک فکر، به قبیل و بعد خود نگاه می‌کند و آن گاه هر دو عالم (عالم بزرگ و عالم صغير) را در درون خود، مشاهده می‌کند و بر راز جان آگاهی می‌یابد و بندت خود می‌شود.

عطر دیدار با فرشته راهنمای (روح یا نفس ناطقه) را در عالم ملکوت، به شرط گذارندان عالم کبیر و صغير ممکن می‌داند؛ اگر آن را دیگر نفس معنی‌شده یا حقيقة انسانی در عالم دیگر و عقل، نمایی می‌کند و لازمه رسول به هر دو را ترک نمایه و ترک عالم محسوسات می‌داند. دیدار با خود یا شخص موجود در وجود ماست، وقتی می‌بینی اینه که بتوان همانند او شد و این همانندی در نتیجه فنا نمی‌باشد و شناخت وجودی خود حاصل می‌شود.

نتایج گیری

مصیبت‌نامه نمونه گویایی از داستان‌های رمزی است که منطقه‌ای تمایلی در این منظومه نسبت به مطلوب‌ترین و الهی‌ترین کمتر است و بیشتر از عالم روشنی، همان عالما که نور از طرق خداوند و روی عالم که با روح عرف متولد و یکی شده است، سخن گفته شده است و انسان از طریق خوشیشت و پس از عبور از موانعی که در مشنخت وجودی خود است به حقيقة می‌رسد؛ چهاره آسمانی سالک همان حضور نفس متعلی یافته در برابر خود است و در این جاست که نفس مطمئن به پروری خود نزدیک می‌شود و حقيقة «من عرف نفس» فقیر عرف رهی محقق می‌شود. حکایت‌های قدیسی و تجربه‌های عرفانی و داستان‌های
پیامران از ارتباط با تجربه‌های روحی و عالی مثال است. اما در ارتباط با این جهان رمز و مجاز هستند. به همین سبب آن‌ها در سطح معنایی ثانوی تأویل می‌شوند. هر یک از موجودات کیهانی و روحانی در مصیبت‌نامه‌های هستند که در شناخت و برگ های خود متغیر، برای نمونه فرشته جبرئیل نماد مطیع بودن و فیزیک اوامر الهی: عرض نماد رحمت; آتش نماد حرص و آز; باد نماد نسب روح و جان؛ طیبور نماد مثال عالم علیوی؛ حیوان نماد نفس امر؛ دریا نماد شوق و طلبد و حوصله است و همه آنان نماینده عقاید و انديشه‌ها و ذهنیت و ساختار نفسی است که در عالم مثال دیده می‌شود.

پی نوشته‌ها

1- خسروی، حسین. ¹³⁸⁷. "نقاهت به نماد پردازی در منطق الطیر". قلم‌نامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی و استدلال شناختی سال چهارم، شماره ۱۲. صص ۶۶-۷۹.

2- نصر اصفهانی، محمدرضا. ¹³۸۸. "رونمایی و رمزگرایی با تکیه بر ادبیات منظوم عرفانی". قلم‌نامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی و استدلال شناختی سال نهم، شماره ۱۶. صص ۱۹۶-۱۹۷.

3- نخبندان، سرچراغی، سرچراغی بازی بسته بسته (میلاد ۶۳۸ هق) است. تا این اخبار اطلاع دقیقی از اصل این معراج‌نامه در دست نبود که اینکه در کتابی خاطر به نام القذفیانه که از تأثیرات "ابوالقسم عارف" است و پیشتر منسوب به جنید بودن، متن اصلی این سرچراغی با زبان‌های عربی و ایرانی عبارت است اور، مشابه با سرچراغی سرچراغی این عربی (۶۳۸ هق) دارد و گمان می‌رود محبین‌الذین معراج‌نامه بازی بسته دیده و بر اساس آن به فکر نوشتن رساله‌ای به نام القذفیانه است. (۱۳۸۸: ۴۳-۴۷).

4- تفصیل طبقه‌بندی مراسم و ازدواج و بازی از "الطلایی و هوی الگوی" (بیست و پنج

کریستیانیتی و اماموی، زمانی را در برگرفته و نگهداری آن‌ها برای کیفیت نسبت عطر در مقاله هفتم در توصیف کریستی دو قطب شمال و جنوب را برای کریستی دو قطب شمال و جنوب را برای کریستی است: گر زیک قطب شمال و جنوب را برای کریستی است: 

در جهان تدوین قطب آسیاب و اسلام و توسعه تدوین رفت و توسعه توسعه و توسعه تدوین

(۱۹۴۸-۱۹۴۷)
تحليل رمزهای مصوریت عطر (195 -177) 93

5- «نَسْبَتْ لِلسَّمَاعَاتِ السَّبَعِ وَالأرْضِ وَمِنِّيفَٰنِ» (اسر/ 44). آسمان‌های هفت
گانه و زمین و هر کس که در آن هاست او را تسبیح می‌گویند. در قرآن کریم به هفت
آسمان اشاره شده است که هر یک از آن‌ها به نام ستارگانی که بر
آن‌ها قرار دارد، خوانده می‌شوند به عقیده بیشتر اندیشمندان اسلامی، زمین در مرکز عالم
قرار دارد و افلاک، پیرامون آن را فراگرفته‌اند. افلاک در یک نظام از لی‌می‌روای تحولات کون
و فساد قرار گرفته‌اند و ظرفیت علم الهی و مشیتی او حرکت می‌کند و مدتی عالم تحت پوشش دارد.

6- «با این‌النفس ان‌الصِّمَّاء ان‌الرّحْمَة ایلی رَبُّك رَاضِیٰ مَرضِیٰ» (فجر/ 27 - 28). ای
نفس مطمئنی خشود و خداپسند به سوى پرودگارت بزگ‌در

7- رحیمان بر عرش استیلای یافته است. (طه/5) این آیه یکی از بحث‌برانگیزترین آیات
قرانی است.

8- «وُلَسْلِیْمَانَ الْرَّحْمَانَ غُدُوُّهَا شَفَرَ وَزَوَّاهَا شَفِّرَ»، وِیرای سلیمان‌داد را (رام کریم).
که رفتن آن پادام، یک ما و آمدنش شبانگاه، یک ما (ره/12).

9- و گفت: ای مردمان، ما زبان پرندگان را تعلیم یافتایم (اقصی/16).

10- از شاگردان و از برگزیده‌ترین پروران آمریکایی پوگن است.

11- «وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا رَحمَةً لَّلْعَالَمِينَ» (النبی/107) و تو را جز رحمتی برای علی‌مIAN
نفرستادیم، عطر به نعت حضرت محمد (ص) به این مطلب اشاره کرده است.

چه گویم من، تنها ای خدا گفت
جمه‌ها را «رحمت» برای عالم‌ینی

(عطر.1388: 159-160)
کتاب‌نامه
قرآن کریم، ۱۳۷۳. ترجمه محمد مهدی فولادنده. چابه هفت‌م، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
استیس، والتر تروتس، ۱۳۸۸. عرفان و فلسفه، ترجمه بهائی‌الدین خرمشاهی. چابه هفت‌م، تهران: سروش.
بورنامدار، نصیرالدین ترزی، ۱۳۸۹. رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چابه هفت‌م، تهران: علمی و فرهنگی مطالعات فرهنگی.
رازی، نجمالدین، ۱۳۷۶. گزیده مرسادات عباد. به‌اختب و با مقدمه‌امین ریاحی. چابه هفت‌م، تهران: ریت، هلموت، ۱۳۷۷. درباری‌دان؛ ترجمه عباس منصور خویی و مهرافاق پاپوردری، چاب اول، تهران: الهی.
سهرودی، شهاب‌الدین، ۱۳۸۷. مجموعه مستندات شیخ اشراق، تصحیح و تصحیح و مقدمه سیدحسین نصر، با مقدمه و تحلیل هانی کریمی. چ ۳، چابه سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
عطرنیاوری، فردین‌الدین محمد، ۱۳۸۸. مصوب‌نامه، مقدمه، تصحیح؛ و تعقیبات محضرضا شفیعی کدکنی. چابه‌چهارم، تهران: سخن.
فتوحی، محمود، ۱۳۸۶. بلاغت تصویر. چاب اول، تهران: سخن.
نیگلستون، رونالد آن، ۱۳۸۲. تصویر اسلامی و رابطه انسان و خدا، ترجمه محترضا شفیعی کدکنی. چابه سوم، تهران: سخن.
هجیری، علی بن عثمان، ۱۳۸۹. کشف المجرب، مقدمه، تصحیح؛ و تعقیبات محمود عابدی، چاب ششم، تهران: سروش.
پونگن، کازوال، ۱۳۸۹. انسان و سمبل‌هاش، ترجمه محمود سلطانی‌پهلوی، چابه هفت‌م، تهران: دیدا.